

اجرای طرح استعماری حذف حجاب توسط رضا خان در سال 1314 شمسی

در قرن اخیر از جمله اهداف استعمار غرب در ایران، هجوم به ارزشهای دینی و سنتی من جمله مسأله «حجاب زن» بوده است.



در قرن اخیر از جمله اهداف استعمار غرب در ایران، هجوم به ارزشهای دینی و سنتی من جمله مسأله «حجاب زن« بوده است.

اقدام رضاخان بر ضد پوشیدگی زنان به تقلید از فرهنگ غرب نشانه عملی این هجوم فرهنگی بوده است.

با بروز جنگ جهانی اول و حدوث انقلاب اکتبر و سقوط تزاریسیم، انگلیسی ها در ایران در موقعیت کاملاً برتر قرار گرفتند. استعمارگران مهاجم انگلستان پس از دومین دهه قرن بیستم و به دنبال بحرانهایی پس از جنگ و نیز از بیم گرایش جامعه فقر زده ایران به کمونیسم به اصلاحات روبنایی و مقاومت زدایی و تجددگرایی در جامعه ایران نیاز فراوان داشت و این همه را باید از طریق طبقه ای بی اصالت، میان تهی و بی ریشه تأمین می کرد.

انتخاب رضاخان میرپنج در کنار سید ضیاء الدین طباطبایی و برکشیدن او به مقام وزارت جنگ و سرانجام انتصاب او به سلطنت در تحقق همین امر انجام گرفت. رضاخان حتی در مقایسه با همدریفهائی قزاق خود در خصوص مبانی ارزشهای جامعه اسلامی ایران بی ریشه تر و لاقیدتر بود. با تشکیل سلطنت رضاخان سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه داری انگلستان بر ایران که در طول ادوار قبلی هیچ گاه کامل نشده بود، تکمیل گردید. با این حال همچنان تعلقات فرهنگی و وابستگی جامعه ایران به ارزش های اسلامی - ملی کماکان به قوت خود باقی بود.

بنابراین دولتمردان رژیم جدید همانند تجربه اروپا هجوم به مذهب را از ابتدا از طریق رواج سکولاریسم و لاقیدی و بی اعتنایی و تحقیر نمادهای دینی و سنن ملی آغاز کردند و در ابتدا مطبوعات، کتابها و نظام آموزشی به صورت ابزار اصلی برای اعمال این سیاست درآمدند.

تأسیس مدارس خارجی در آن ایام، بازگشت فرزندان خانواده های اشرافی از فرنگ پس از اتمام تحصیل، نشر برخی مطبوعات متأثر از فرهنگ غربی و نهایتاً فکر تشبه به غرب از جمله عوامل داخلی بود که زمینه را برای اجرای سیاست کشف حجاب فراهم ساخته بود. خواسته استعمار که عامل اصلی چنین سیاستهایی بود، برخی عوامل داخلی و تلاقی این عوامل با خواسته های نفسانی موضوع کشف حجاب را ایجاب می کرد.

رضاخان مدعی بود که وقتی مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی به سر گذارند و به تقیدات دینی سستی نشان دهند متمدن خواهند شد. در واقع آنان خواستار متمدن شدن جامعه ایران به معنای رشد در پهنه دانش و فن آوری و فرهنگ نبودند بلکه ایجاد فرهنگ مصرفی از طریق تحقیر ارزشهای ملی و مذهبی مدنظر بود.

اگرچه رضاخان فکر تجدد گرایی را از اوایل سلطنت خود در سر می پروراند که از جمله: متحدالشکل کردن البسه در سال 1307 و ماجرای حضور خانواده پهلوی در حرم حضرت معصومه (س) و مخالفت مرحوم شیخ محمد تقی بافقی در سال 1306 و نوع پوشش اعضای خانواده شاه و دیگر اقدامات او موید این واقعیت بود، ولی سفر ترکیه این تلقی را تقویت کرد چرا که رضاخان بعد از مسافرت به ترکیه، در اغلب اوقات ضمن اشاره به پیشرفت سریع کشور ترکیه از برداشتن حجاب زنها و آزادی آنان صحبت می کرد. تا اوایل 1314 شمسی که یکی از روزها هیأت دولت را احضار کرد و گفت: ما باید صورتاً و سنتاً غربی بشویم و در قدم اول کلاهها تبدیل به شاپو بشود و نیز باید شروع به برداشتن حجاب زنها کنیم، اما چون برای عامه مردم دفعتهاً مشکل است که اقدام کنند، شما وزرا و معاونان باید پیشقدم بشوید و هفته ای يك شب با خانمهای خود در کلوپ ایران جمع شوید و به حکمت وزیر فرهنگ وقت دستور

داد که در مدارس زنانه معلمان و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد او را به مدارس راه ندهند.

در شرایطی که رضاخان آماده می شد تا با برداشتن حجاب زنان دربار، ملکه و دخترانش، آنان را با قافله تمدن غربی همراه سازد و از حرم خود وسیله ای برای تعمیم فرهنگ تشبه به غرب در جامعه ایران بسازد و استفاده کند، جریان اجبار محصلان به کشف حجاب در تهران و شهرها ادامه یافت. در مقابل اجرای این سیاست بود که سرانجام واقعه خونین مسجد گوهر شاد پدید آمد. رهبری کشتار خونین حرم حضرت رضا (ع) را سرلشکر مطبوعی بر عهده داشت.

با انتشار خبر قیام گوهرشاد، مقدمات اعتراض اجتماعی وسیعی فراهم شده بود، اما فقدان رهبری منسجم و نیز خشونت شدید عوامل شاه سبب شد که نه تنها این اعتراض اجتماعی تبلور پیدا نکند، بلکه رضاخان را مصمم به اجرای خشونت بار کشف حجاب کند.

نتیجه سیاست نابخردانه کشف حجاب، گذشته از متزلزل ساختن ارزشهای خودی و مقدمه سازی برای تسلط بر منحنی ترین بخش های فرهنگی غرب، این بود که جامعه مذهبی ایران وقتی خود را در برابر سوادآموزی به قیمت برهنگی نوامیس خود دید، راه تحصیل را بر فرزندان خود بست و به این ترتیب عملاً به فرایند رشد تحصیلی کشور نیز ضربه وارد شد. بلافاصله بعد از سقوط رضا شاه، کسانی که روند زندگی پیشین را پی گرفتند، روی بر تافتند و آنها دریافتند که راه حرکت به سوی تمدن و توسعه، باز شدن راه برای شکوفایی استعدادهاي اجتماعی است نه آموختن مصرف گرایی و دنباله روی از مظاهر منحنی فرهنگی.

تمدن وقتی معنا و مفهوم پیدا می کند که مردم ما به راه اکتشافات و اختراعات و رهروی فرزنانگان و دانشمندان مغرب زمین می رفتند، نه اینکه رهرو راه هنرپیشگان گردند.

اکنون پس از گذشت 26 سال از انقلاب اسلامی، حجاب به صورت یک رمز، سمبل و شعار در تمامی جهان اسلام و نیز میان مسلمانانی که به صورت اقلیت در کشورهای غیر اسلامی زندگی می کنند درآمده است. حجاب تنها به عنوان یک امر شرعی مورد توجه نیست، بلکه به عنوان یک نشان و یک علامت از بازگشت به سنت های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.